

.....:موضوع جدی است و نمی‌توان نسبت به آن حمایت آقای جلیلی بی‌تفاوت ماند و گرنه از

تاریخی که شروع شده بیرون می‌افتیم.....:

شماره پرسش: ۴۸۳۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۳/۱۷ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

باعرض سلام و دعای خیر خدمت استادگرامی جناب آقای طاهرزاده. این حقیر جنابعالی رادارای هندسه فکری منسجم و تفکری ناب از جنس امام و رهبری عزیز شناخته ام و نظر شمارامهم و اثرگذار برای همه علاقمندان می بینم. ارائه نظر حضرتعالی در دفاع از آقای جلیلی را با آنچه از شما در کتب و مباحث مختلف دریافتیم اینم متناقض یافته ام خواهشمندم جهت تنویر اذهان دوستداران، موارد ذیل را توضیح فرمائید. در کتاب سلوک ذیل شخصیت امام خمینی صفحه ۴۸ به استناد سخنان رهبری عزیز در ۲۴/۷/۹۰ نوشته شده است (که ولایت فقیه مسئولیت اجرایی و دخالت در کارهای نیست و بعضی دوست دارند بگویند: فلان تصمیمها بدون نظر رهبری گرفته نمی شود. نه اینطور نیست) این سخنان بامواضع آقای جلیلی و حسن روحانی که از رهبری سپری برای عملکرد ضعیف خود در شورای امنیت ساخته اند، متناقض است. رهبری عزیز در ابتدای امسال فرمودند رئیس جمهور آینده باید نقاط قوت دولت کنونی را داشته و نقاط ضعف آنرا نداشته باشد، و در دیدار هیئت دولت فرمودند یکی از نقاط قوت شما این است که وابسته به هیچ جزیان و حزب و گروه نیستید. این درحالیست که آقای جلیلی در مناظرات در موضع یک اصولگرای حزبی تمام قد ظاهر شد و در میدان پاسخگویی عملکرد اصولگرایان حزبی قرار گرفت. امام خامنه ای در ۱۴ خرداد ۹۰ فرمودند اگر به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم از خط امام منحرف شده ایم. و اگر به نام عدالتخواهی به مردم مؤمن و کسانی که از لحاظ فکری بامام مخالفند امید داریم که به اصل نظام اعتقاد دارند اهانت کردیم از خط امام منحرف شده ایم. و در جای دیگر فرمودند مسئولیت و تشخیص انحراف با رهبری است و در صورت انحراف باید یقه رهبری را گرفت. این درحالیست که آقای جلیلی (که به گفته خود سرباز رهبری است!) در گیلان اظهار داشت که احمدی نژاد دارای گفتمان انقلابی بود و او را حب قدرت منحرف کرده است! حتی اگر ازشان بپوئیم که احمدی نژاد منحرف شده است (احمدی نژادی که دارای مسئولیتهای کلیدی و مهم بوده و بیش از همه انقلابی بوده و هنوز دارای حکم تنفیذ رهبری معظم است) نظربه اینکه آقای جلیلی سابقه اجرایی قابل توجهی هم ندارد، احتمال منحرف شدن و گرفتاری در حب قدرت برای وی بیشتر است. ایشان نه از جایگاه مردمی همانند احمدی نژاد برخوردار است نه علمدار گفتمان انقلابی همچون احمدی نژاد است و نه عملکرد قابل ارزیابی دارد که خود را نماینده گفتمان انقلاب میدانند. حالیکه احمدی نژاد علیرغم برخورداری از حمایتهای همه جانبه رهبری به علت قرابت گفتمانی، خود را نماینده گفتمان انقلاب مطرح نکرد. انتظار میرفت استاد محترم همانگونه که بسیار خوب توصیه فرمودند که افراد صاحب فعالیت فرهنگی از آقای مشایی حمایت

نکنند، از خود برای چنین شخصی سرمایه نمی گذاشتند و همانگونه که رهبری نیز فرمودند رأی به هریک از این افراد رأی به نظام است. ظاهراً از نظر رهبری نیز این افراد لقمه دهانگیری نیستند و تفاوت چندانی باهم ندارند!

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- با این همه در آن مناظره در آن قسمت خاص که مربوط به مذاکرات هسته‌ای بود چون جریان به رهبری مربوط بود یک کمی با سایر امور اجرایی متفاوت است ۲- نمی‌دانم چرا از سخنان آقای جلیلی در مناظره چنین برداشت کردید که ایشان اصول‌گرای حزبی است؟ چرا برداشت نکردید که پای‌بند به اصول ارزشی است که طرف مقابل به آن اصول و ارزش‌ها مقید نیست؟ ۳- اگر این سؤال مطرح شد که آقای احمدی‌نژاد چرا در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری مثل دوره‌ی اول عمل نکردند و حرکاتی از ایشان ظاهر شد که ما مجبور شدیم برای دفاع از آن به زحمت بیفتیم، این موضوع پیش می‌آید که علت آن چه بوده؟ به همین جهت نظرات مختلفی مطرح می‌شود که یکی از آن‌ها این است که آقای جلیلی فرمودند و یکی از نظرات آن است که آیت‌الله مصباح می‌فرمایند و ده‌ها نظر دیگر که شما حتماً شنیده‌اید. بنده به این نتیجه رسیده‌ام که شیفتگی بیش از حد آقای احمدی‌نژاد نسبت به آقای مشائی حکمت ایشان را تحت تأثیر احساساتشان قرار داده و لذا حرکاتی از ایشان سر زد که قابل قبول نبود ۴- اما این که می‌فرمایید چرا از یک طرف توصیه می‌کنم آقایان از نامزدی آقای مشائی حمایت نکنید و از طرف دیگر از نامزدی آقای جلیلی برای ریاست جمهوری حمایت کردم؛ علت آن را در همان نکته‌ای بدانید که بنده وظیفه‌ی خود دیدم از آقای احمدی‌نژاد تا آن‌جا که ممکن است دفاع کنم تا راهی که از طریق آقای احمدی‌نژاد در انقلاب اسلامی گشوده شد مسدود نشود. عنایت داشته باشید وقتی بنا نشد از آقای احمدی‌نژاد عبور کنیم و تنها از اشتباهات ایشان عبور کنیم و مسئولیت اشتباهات شخصی ایشان را به عهده نگیریم و وقتی متوجه شدیم آقای جلیلی بر همان گفتمانی تأکید دارد که آقای احمدی‌نژاد تأکید داشت، پس نباید در مقابل آقای جلیلی ساکت باشیم. در حالی که ملاحظه کرده‌اید اگر آقای جلیلی انتقادهایی از عملکرد آقای احمدی‌نژاد دارد از اصل گفتمان آقای احمدی‌نژاد دفاع می‌کند و اگر انتقاد دارد به حاشیه‌های آقای احمدی‌نژاد است و نه به متن گفتمان او. ما هرگز از گفتمانی که بر ساده‌زیستی و خدمت به محرومین و تأکید بر طرح انقلاب در سطح جهان تکیه دارد و عبور از فرهنگ غرب و استکبار را جزء کار خود می‌داند و پس از شانزده سال ما را از سکولاریسم پنهان نجات داد، عبور نمی‌کنیم. ما هرگز گرفتار توطئه‌ای نمی‌شویم که می‌خواهند به اسم عبور از حاشیه‌های آقای احمدی‌نژاد از سیره‌ی او عبور کنند و کاری کنند تا ما از شعارهای اصلی انقلاب دست برداریم. بنده در مقایسه با سایر نامزدها با نظر به طرز فکر آن‌ها به آقای جلیلی نظر دارم چون معتقدم از طریق او می‌توانیم راهی را ادامه دهیم که در سوم تیرماه سال ۸۴ جریان اصلاح طلب و اصول‌گرای حزبی را حیران کرد و از این جهت در شرایط بسیار

حساسی به سر می‌بریم چون از یک طرف دولت قبول ندارد که آقای جلیلی ادامه‌دهنده‌ی همان راهی است که آقای احمدی‌نژاد شروع کرده و از طرفی ما معتقدیم به همان دلیلی که آقای احمدی‌نژاد را پذیرفته‌ایم و از همان جهت که او را پذیرفته‌ایم می‌توانیم آقای جلیلی را بپذیریم و ملاک ما شخص آقای احمدی‌نژاد نیست ملاک ما آن چیزهایی است که آقای احمدی‌نژاد را با آن ملاک‌ها در سوم تیر ۸۴ پذیرفتیم. آیا این پارادکس کمی گیج‌کننده و حساس نیست؟ بنده معتقدم راه دقیقی در شرایطی بسیار حساس در مقابل عزیزان است که نمی‌توانند به طور عادی فقط ناظر صحنه باشند در این صورت با آن بن‌بست سیاسی که در عرایض قبلی خود برای بعضی از عزیزان پیش‌بینی کردم روبه‌رو خواهید شد. با کمی تواضع دست و آستین را بالا بزنید و خود را وارد تاریخ جدیدی بکنید که انقلاب وارد آن شده است. تشکیلاتی و گروهی تصمیم نگیرید که نسبت به همدیگر در محذورات باشید. موضوع جدی است و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت ماند و گرنه ناخواسته به سرنوشتی دچار می‌شوید که انجمن حجتیه در مقابل با انقلاب اسلامی به آن دچار شدند و عملاً از سیر تاریخ به سوی مهدویت بیرون افتادند. کمی تواضع و آزاد شدن از تفکر گروهی راه را می‌گشاید. موفق باشید